

دادسرا و دادگاه در پیشگیری از جرایم اطفال و نوجوانان

فاطمه پاک سیرت
کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی

fatemeh.paksirat@yahoo.com

چکیده

اطفال و نوجوانان سرمایه‌های معنوی هر جامعه محسوب می‌شوند؛ که سلامت روح و جسم آن‌ها تضمین کننده سلامت جامعه در آینده خواهد بود. بنابراین مسائل آنان از جمله بزهکاری این گروه نیازمند اختصاص تدابیر ویژه و مجزا می‌باشد. پیرو این ضرورت در پژوهش حاضر تلاش شده است تا تأثیر نهاد دادسرا و دادگاه ویژه اطفال و نوجوانان بر پیشگیری از جرائم این گروه ارزیابی گردد. ساختار، طرز کار و شیوه عملکرد کنشگران فرایند کیفری ویژه اطفال و نوجوانان از مرحله دستگیری تا مرحله پس از اجرای حکم، می‌تواند بنابر جهت گیری‌های آنان، هنجارگرایی و جامعه‌پذیری یا برعکس هنجارگریزی یا جامعه‌گریزی کسانی که آن را تجربه می‌کنند تقویت و تشدید کند و در نهایت زمینه تکرار جرم را فراهم آورد. در مقاله حاضر، خطوط اصلی پیشگیری از جرائم اطفال با تضمینات نهادهای قضایی اطفال و نوجوانان مورد بررسی قرار گرفته است. در این راستا هنگام دستگیری طفل یا نوجوان در اداره پلیس و در ادامه آن در مرحله تحقیقات مقدماتی، چنانچه رفتار کنشگران این نهادها با طفل یا نوجوان بزهکار کرامت مدار نباشد، می‌تواند آثار کمانه‌ای فراوانی برای وی و جامعه به همراه داشته باشد. استفاده از تدابیری چون قضا زدایی، رعایت حقوق دفاعی و تناسب در صدور قرارهای کیفری بر مبنای پرونده شخصیت در این مرحله می‌تواند از ادامه‌ی فرایند کیفری جلوگیری کند؛ در مرحله دادگاه نیز با در نظر گرفتن معیارهای دادرسی عادلانه، استفاده از مشاور و مددکار اجتماعی، استفاده از

جایگزین‌های حبس، مانند تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات، می‌توان از فرستادن طفل یا نوجوان به کانون اصلاح و تربیت جلوگیری نمود. با به کارگیری همه این تدابیر، چنانچه به عنوان آخرین راهکار طفل یا نوجوان به کانون اصلاح و تربیت فرستاده شد، برنامه‌های اصلاحی این نهاد می‌تواند در امر باز اجتماعی شدن وی کمک فراوانی کرده و در نهایت از تکرار جرم این افراد پیشگیری نماید که هم‌اکنون این تدابیر با تکیه بر تخصص‌گرایی، جلب مشارکت مردمی و با تأکید بر ضرورت موضوع پیشگیری از جرم علی‌الخصوص جرایم اطفال و نوجوانان در جمهوری اسلامی ایران به منصفی ظهور خواهد رسید.

واژگان کلیدی: پیشگیری، بزهکاری، دادگاه و دادرسی، عدالت کیفری، اطفال و نوجوانان

مفهوم طفل و نوجوان در قوانین داخلی

در قوانین و مقررات تصویب شده پیش از انقلاب به تبع ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی، رویکرد کلی آن بود که لفظ طفل در معنای فرد زیر ۱۸ سال به کار می‌رفت و شامل دوره نوجوانی نیز بود. به همین جهت این لفظ کمتر در قوانین و مقررات مشاهده می‌شد، بعلاوه واژه کودک معنایی مضیق‌تر از طفل داشت. اما در قوانین و مقررات بعد از انقلاب، با اصلاحات قانون مدنی و بویژه اصلاح ماده ۱۲۱۰ رویکرد کلی آن بود که لفظ طفل به معنای فرد زیر سن بلوغ شرعی (۹ و ۱۵ سال تمام قمری) استفاده شود و به تدریج لفظ نوجوان به معنای فرد بین سن بلوغ شرعی و زیر ۱۸ سال تمام شمسی، در قوانین و مقررات مشاهده می‌شود. پس از تصویب پیمان‌نامه حقوق کودک و به تبعیت از این پیمان‌نامه، واژه کودک نیز در قوانین و مقررات بیشتر به کار رفت. در مجموع به نظر می‌رسد، پس از انقلاب شکوهمند اسلامی اولاً: قانونگذار در مورد کودکان معارض قانون با تأثیرپذیری از سن بلوغ

شرعی، بر روی لفظ حساسیت نشان داده و لفظ طفل را به معنای دختر تا ۹ سال تمام قمری (حدود ۸ سال و ۹ ماه شمسی) و پسر تا ۱۵ سال تمام قمری (حدود ۱۴ سال و ۷ ماه شمسی) در نظر گرفته است و لفظ نوجوان به صورت عرفی برای دختر بین ۹ سال تمام قمری و ۱۸ سال تمام شمسی و پسر بین ۱۵ سال تمام قمری و ۱۸ سال تمام شمسی مصطلح شده است. ثانیاً: در مورد کودکان نیازمند حمایت اعم از بی سرپرست، بزه‌دیده و در معرض خطر، قانونگذار در مورد لفظ و سن حساسیتی نشان نداده است.

مفهوم طفل و نوجوان در اسناد بین‌المللی

در بیشتر اسناد بین‌المللی تعریف مشخصی از کودک ارائه نشده و تنها با اشاره به واژه کودک یا نوجوان سعی در معطوف داشتن نگاه دولت‌ها به اهمیت موضوع و حمایت از کودکان و نوجوانان و تعیین سن مسئولیت‌پذیری کیفری آنان شده، ولی این که چه کسی در نهایت سن کودکی و نوجوانی را تعیین می‌نماید، با توجه به تفاوت نظام‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی موجود برعهده دولت‌های حاکم نهاده شده است. در این بخش مهم‌ترین اسناد بین‌المللی و رویکرد آن‌ها در تعریف مفهوم کودک و نوجوان را مرور خواهیم کرد.

۱. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶): در این سند واژه کودک تعریف نشده و فقط در بند ۵ ماده ۶ آن، منع اعدام افراد زیر ۱۸ سال مقرر شده است.

۲. مقررات پکن یا قواعد بیجینگ (۱۹۸۵): در این سند صرفاً از واژه «نوجوان»^۱ استفاده شده است. بند «الف» از ماده ۲-۲ این سند در تعریف «نوجوان» بیان می‌دارد: «نوجوان عبارت از کودک یا فرد کم‌سالی است که تحت نظام قانونی ذریبط مشمول رفتاری متفاوت

۱. Juvenile



با رفتار جاری نسبت به افراد بزرگسال می‌باشد.» در بند «ج» این ماده «بزهکار نوجوان» چنین تعریف شده است: «بزهکار نوجوان عبارت از کودک یا فرد کم سالی است که متهم به ارتکاب بزه است یا محرز شده که مرتکب بزه شده است.» در تفسیر این ماده محدوده سنی برای نوجوانان بین ۷ تا ۱۸ سال و بالاتر در نظر گرفته شده است.

۳. قواعد سازمان ملل متحد برای حمایت از نوجوانان محروم از آزادی (۱۹۸۵): این سند نیز صرفاً نوجوان را تعریف نموده است، طبق بند «الف» از ماده ۱۱ بیان می‌دارد: «نوجوان به فردی اطلاق می‌شود که سن او کمتر از ۱۸ سال باشد. تعیین حداقل سنی که کمتر از آن سلب آزادی نوجوان مجاز نخواهد بود به عهده قانون است.» در واقع این سند سن ۱۸ سال را پایان نوجوانی قلمداد کرده است، اما تعیین قلمرو کودکی را به قوانین ملی واگذار نموده است.

۴. پیمان‌نامه حقوق کودک (۱۹۸۹): این سند به عنوان مهم‌ترین سند بین‌المللی الزام آور در مورد کودکان، بر پایه دستاوردهای روانشناسی و یافته‌های روانشناسان مشهوری چون اریک اریکسون و ژان پیاژه، تعبیر جدیدی از نام‌واژه کودک ارائه نمود که دوره طفولیت و نوجوانی را نیز در بر می‌گیرد. طبق ماده یک این سند، «از نظر این پیمان‌نامه منظور از کودک افراد انسانی زیر ۱۸ سال است؛ مگر این که طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک با سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود.»

مفهوم طفل و نوجوان در تماس با قانون

اطفال و نوجوانان ممکن است در تماس با قوانین و مقررات مدنی یا کیفری قرار گیرند. در حوزه مطالعات علوم جنایی کودکان از چهار بعد متفاوت مورد توجه قرار می‌گیرند. این چهار دسته را اصطلاحاً کودکان در تماس با قانون می‌گویند:

کودکان در معرض خطر

که شامل کودکان در معرض خطر بزه‌دیدگی یا بزهکاری می‌شود و کودکانی هستند که به دلیل شرایط و اوضاع و احوال خاص رشد جسمانی، ذهنی، اخلاقی، معنوی و اجتماعی‌شان به شدت در معرض خطر قرار گرفته‌اند. پیمان‌نامه حقوق کودک به صورت نظام‌مند و سازمان‌یافته در قالب ماده‌ای مستقل به بحث حمایت از این کودکان تصریح نکرده است، اما از مفاد برخی مواد نظیر بند ۲ ماده ۹، ماده ۱۹، ماده ۳۲ و ماده ۳۳ و روح کلی حاکم بر پیمان‌نامه چنین استنباط می‌شود که این سند بین‌المللی بر اتخاذ تدابیر و اقدامات مقتضی قانونی، اجتماعی و آموزشی و قضایی به منظور پیشگیری و شناسایی چنین اطفالی و خروج آنان از محیط مخاطره‌آمیز که مغایر با منافع عالیه آنان و رشد و سلامت جسمی، اخلاقی، روانی و اجتماعی آنان باشد یا موجب محرومیت ایشان از تحصیل شود و حمایت از آنان تأکید دارد (زینالی، ۱۳۸۸، ص ۵۱-۴۹). در حقوق داخلی این موضوع از رهگذر اصول و قواعد حقوق خانواده وارد ادبیات حقوقی گردیده و سپس در حوزه حقوق کیفری مورد توجه قرار گرفته است. در این راستا ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی (اصلاحی ۱۳۷۶/۸/۱۱) قانون مدنی، ماده ۱۱۷۳: هرگاه در اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادری که طفل تحت حضانت اوست، صحت جسمانی و یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد، محکمه می‌تواند به تقاضای اقربای طفل یا به تقاضای قیم او یا به تقاضای رئیس حوزه قضائی هر تصمیمی را که برای حضانت طفل مقتضی بدانند، اتخاذ کند. موارد ذیل از مصادیق عدم مواظبت و یا انحطاط اخلاقی هر یک از والدین است) مهم‌ترین ماده موجود در حوزه حقوق مدنی ناظر بر حقوق خانواده می‌باشد. ماده ۵ آیین‌نامه پیش‌گیری از اعتیاد، درمان معتادان به مواد مخدر و حمایت از افراد در معرض خطر اعتیاد مصوب ۱۳۷۷/۱۱/۲۰ جلسه ۶۳ ستاد مبارزه با مواد مخدر نیز به دانش‌آموزان در معرض



آسب «دانش آموزشی که سرپرست یا والدین آنها قاچاقچی، معتاد، زندانی یا فراری هستند.» و اتخاذ تدابیر مقتضی در مورد آنان اشاره دارد.

پیشینه پیشگیری در ایران

در ایران، آموزش و پرورش در زمینه جرم شناسی و پیشگیری از جرم ابتدا در مؤسسه‌های دانشگاهی - علمی و سپس در مراجع اجرایی قضایی در حد تصویب مقررات و آیین نامه مورد توجه قرار گرفته است. که در این جا به مناسبت به اقدامات اجرایی قضایی اشاره می‌شود.

گفتار اول: اقدامات در مراجع اجرایی و قضایی پیش از انقلاب:

عضویت وزارت دادگستری در سال ۱۳۳۱ در جامعه بین المللی جرم شناسی، اعزام قضات عالی رتبه در همایش‌های بین المللی این جامعه، و تصویب ماده واحده لایحه قانونی عضویت دولت ایران در مؤسسه فوق از جمله اقدامات اجرایی قضایی در خصوص پیشگیری از جرم بود. تدوین آیین نامه زندان‌ها و مؤسسه‌های صنعتی و کشاورزی وابسته به زندان‌ها مصوب ۱۳۵۴/۴/۱۹ با اقتباس از قواعد حداقل سازمان ملل متحد درباره رفتار اصلاحی با زندانیان که در آن به طرح‌های مؤثر در پیشگیری از وقوع جرم و تهذیب اخلاق زندانیان اشاره شده بود از دیگر اقدامات در این خصوص به شمار می‌رود (گیوه چیان، ۱۳۸۰: ۵۶-۷۰).

قانون مربوط به تشکیل دادگاه اطفال بزهکار مصوب دهم آذر ماه ۱۳۳۸ نیز با اولویت دادن به تربیت و اصلاح اطفال و نوجوانان بزهکار از دیگر فعالیت‌های پیشگیری از وقوع جرائم قبل از انقلاب اسلامی می‌باشد.

گفتار دوم: اقدامات در مراجع اجرایی و قضایی بعد از انقلاب

پس از انقلاب اسلامی در نخستین اقدام مجلس خبرگان در خصوص پیشگیری از جرم بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی راتصویب کرد. در اجرای بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی شورای عالی قضایی در تاریخ ۱۳۳۳/۹/۱۵ آیین نامه تأسیس مرکز مطالعات حقوقی، قضایی را تحت مدیریت وزیر دادگستری تصویب کرد. در بند ۶ ماده ۲ این آیین نامه، سازمان زندانها مکلف به تحقیق و پژوهش در خصوص پیشگیری از وقوع جرم شده و صراحتاً این سازمان موظف به تشکیل سازمانی در خصوص پیشگیری از جرم گردیده است.

لازم به ذکر است که مرکز یاد شده در همان سال تأسیس گردید. مکلف شدن نیروی انتظامی، وزارت اطلاعات، سازمان بهزیستی و ... به پیشگیری از جرم در برابر قانون؛

لایحه قانونی تشکیل سازمان بهزیستی کشور مصوب ۱۳۵۹ (اصلاحی ۷۵) نیز به موضوع پیشگیری اشاره دارد. تصویب شور اول لایحه پیشگیری از وقوع جرم به استناد بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در کمیسیون قضایی مجلس در تاریخ ۸۶/۶/۳۱ از آن جا که پیشگیری از جرائم و بزهکاری از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است و کشورهای بسیاری این موضوع را در دستور کار خود قرار داده‌اند و هزینه‌های قابل توجهی را برای آن به تصویب رسانده و به اجرا درآورده‌اند، سازمان‌های بین المللی نیز از چند دهه پیش در این ارتباط فعال شده و توصیه‌هایی را در عهدنامه و اعلامیه‌های بین‌المللی به تصویب رسانده و به اعضای خود ابلاغ کرده‌اند، که مقررات پکن و ریاض ازین جمله می‌باشند (رجعی پور، ۱۳۹۱: ۷۰).

مبحث دوم: ضرورت پیشگیری از جرم

ازدیرباز بشر برای برقراری نظم و امنیت در جامعه و محیطی که در آن زندگی می‌کرد تلاش نموده با توسل به شیوه‌های گوناگون از بروز جرائم و هرگونه اقدامی که نظم جامعه را به خطر بیندازد جلوگیری کند. در جوامع اولیه با واکنش شدید و مجازات‌های سنگین بزهکاری را سرکوب می‌کردند. در حقیقت نخستین نسل از تدابیر پیشگیری کننده صرفاً توسل به نظام کیفری و اعمال مجازات نسبت به مرتکبین جرائم بود. اما علی‌رغم اعمال مجازات‌ها حتی مجازات‌های سنگین و خشن، هرگز از میزان جرائم کاسته نشد.

امروزه مبانی فکری که منجر به جرم‌انگاری رفتارهای منحرف گردیده با مشکلات عدیده‌ای مواجه است. تفکر مجازات‌گر بتنام که بر مقابله کیفری با هرگونه رفتار ضد اجتماعی و غیر اجتماعی تأکید می‌کرد، با معضل مهم تورم کیفری مواجه است. از طرفی توسل به ضمانت اجرای کیفری به منظور مقابله با رفتارهای خطرناک در جایی که تدابیر غیر کیفری کارایی لازم را دارند هیچگاه توصیه نمی‌شود (پورسیار، ۱۳۹۳: ۳۰-۲۹).

با الهام از اندیشه‌های اندیشمندان و مصلحین، دولت‌ها با لحاظ تدابیر فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی از تدابیر پیشگیری غیرکیفری نیز برای پیشگیری و کاهش جرائم و جلوگیری از تکرار جرم بهره بردند. از میان آنچه که بر ضرورت و اهمیت استفاده از تدابیر پیشگیرانه اذعان دارد عوامل زیر را می‌توان عنوان کرد.

گفتار اول: ناکارآمدی مجازات

آمار جنایی نشان می‌دهد که با وجود تقویت زرادخانه مجازات‌ها و به طور کلی، توسعه قلمرو حقوق جزایی، نظام کیفری به تنهایی نمی‌تواند جلوه‌های گوناگون بزهکاری را مهار

کند و بدین سان است که پاسخ‌های پیشگیرانه، در برابر جرم احساس شده است (نجفی ابرند آبادی، ۹۰:۵۶). امروزه مطالعات نشان می‌دهد که در عمل و تجربه کارکرد مهار بزهکاری با اعمال مجازات‌ها محقق نشده است. لذا علی‌رغم شداد و غلاظ مجازات‌ها و قطعیت آن‌ها، میزان بزهکاری کاهش نیافته و بیلان مجازات منفی است. تنها نقطه مثبت مجازات این است که افراد مجرم را گاه برای همیشه و گاه برای مدتی از جامعه منفک می‌کند و به صورت مکانی یا زمانی آن‌ها را خنثی می‌کند. همان‌طور که شکست تدابیر مربوط به بهداشت و سلامت می‌تواند به انتشار سریع و شیوع یک بیماری واگیر دار کمک کند؛ فقدان یا ضعف تدابیر پیشگیرانه، می‌تواند توسعه رفتارهای مجرمانه و در نتیجه مراجعه بیشتر به دستگاه عدالت کیفری را به دنبال داشته باشد. بنابراین منفعت هر جامعه اقتضا می‌کند که منابع مالی و انسانی کافی به برنامه‌های پیشگیری اختصاص یابد (ابراهیمی، ۱۳۹۰: ۲۹). با این حال این اندیشه در عمل کمتر مورد توجه و قبول قرار می‌گیرد. زیرا میزان بودجه‌ای که به پیشگیری اختصاص می‌یابد قابل مقایسه با بودجه نظام عدالت کیفری نیست. به نظر می‌رسد دولت‌ها به این نوع از نگرش عادت کرده‌اند و بدون تفکر و به‌طور خودکار و بدون ارزیابی از سرمایه‌گذاری‌های حوزه سرکوبی، به این رویه ادامه می‌دهند. در واقع در عمل روش مبارزه به سرکوبی منحصر شده است.

گفتار دوم: سودمندی توسل به پیشگیری

ایده "پیشگیری بهتر از سرکوبی است" با الهام از اصل راهبردی و جرم‌شناختی "پیشگیری به از درمان و اصلاح است" به عنوان یک اصل راهبردی در مبارزه با جرم و کنترل بزهکاری در دهه‌های اخیر مورد توجه متولیان سیاست جنایی قرار گرفته است. در این باب سودمندی توسل به پیشگیری تا سرکوبی مطرح است و از دلایل آن ناکافی و زیان بار بودن سرکوبی است که بنیانگذاران مکتب تحقیقی و پس از آن طرفداران جنبش دفاع

اجتماعی (قدیم و جدید)، براین اعتقاد بودند که سودمندی توسل به پیشگیری، به ناکافی بودن و یا حتی ناتوانی کیفر از بازدارندگی از طریق تهدید، سزادهی و نیز ناتوانی از پیشگیری از تکرار جرم از گذر اجرای مجازات برمی‌گردد. بنابراین مدت زیادی این تفکر، به عنوان تنها توجیه سودمندی توسل به پیشگیری مطرح بود، لیکن از حدود چهار دهه پیش، اندیشه دیگری در کنارویا حتی جایگزین افق فکری پیشین قرار گرفته است، و آن عبارت است از اینکه «سرکوبی کیفری» نه تنها ناکارآمد، بلکه زیان بار ظاهر شده است و معمولاً به این جنبه از موضوع در جرم شناسی واکنش اجتماعی پرداخته می‌شود (گسن، ۱۳۸۵: ۵۶-۵۷). از دیگر دلایل سودمندی توسل به پیشگیری، ناکارآمدی کیفر است. کارکردهای کیفر متعدد و با ماهیت‌های مختلف می‌باشند. اصلاح و درمان، آموزش و تربیت، ارباب عمومی، ارباب فرد، خنثی سازی و سزادهی از جمله این کارکردهاست (کوشا، بی تا: ۱۵۵). از طرفی مطالعات تجربی راجع به اهداف و کارکردهای کیفر، نشان داده است که تحقق کامل این اهداف بعید و بعضاً غیر ممکن می‌باشد. بنابراین تعجب آور نخواهد بود که در برابر این ناتوانی کیفر از دست یابی به نتیجه و اهداف مورد انتظار، توسل به مداخله کنشی مطرح و مورد استقبال قرارگیرد. سرمایه گذاری در برنامه‌های پیشگیری از جرم، به لحاظ اقتصادی مقرون به صرفه است که در مقابل هزینه‌های جرم مزایا و سودمندی پیشگیری از جرم مشخص می‌گردد. به عنوان نمونه، هزینه برنامه‌های پیشگیری از جرم در بلند مدت کمتر از هزینه‌های صورت گرفته در نظام عدالت کیفری بوده است (کریمی پورسیار، ۱۳۹۳: ۳۵).

در باب اهمیت پیشگیری از جرم نسبت به مجازات‌ها، این نکته نیز قابل ذکر است که این مسئله در متون دینی هم مورد اشاره قرار گرفته است تا جایی که رسالت اصلی قرآن کریم، این کتاب آسمانی را هدایت و اصلاح جامعه انسانی قلمداد کرده است. اصلی‌ترین

و مهم‌ترین آموزه قرآن برای پیشگیری از جرائم و ناهنجاری‌های اجتماعی، آموزه‌های تربیتی و اصلاحی است (کریمی، ۱۳۸۹: ۷۶). به طور کلی شیفتگی کنونی به پیشگیری از جرم، به نا کار آمدی کیفر و سرکوبی و اقدامات قهر آمیز برمی گردد. اما برای اینکه یک اقدام دارای آثار پیشگیرانه باشد، صرف غیر قهر آمیز و تنبیهی بودن آن کفایت نمی‌کند. پیشگیری اگر همراه با سرکوبی نباشد، مثمرتر واقع نخواهد گشت و در صورت شکست تدابیر پیشگیرانه، جامعه باید بداند که خلع سلاح نشده است و سرکوبی را به عنوان آخرین حربه و سلاح در اختیار دارد.

مبحث سوم: مدل‌های پیشگیری از جرم

مرور ادبیات مربوط به جرم شناسی پیشگیری نشان می‌دهد که هر چه از عمر این شاخه نورسته جرم شناسی کاربردی می‌گذرد، بر تنوع تقسیم بندی انواع پیشگیری از جرم افزوده می‌شود. این تقسیم بندی‌ها براساس معیارهایی چون سن (تقسیم به پیشگیری از جرائم، اطفال و بزرگسالان)، طرق پیشگیری (پیشگیری قضایی با استفاده از سیستم کیفری، پیشگیری وضعی از طریق کاهش فرصت‌های ارتکاب جرم و پیشگیری از محرومیت از طرق کاهش پتانسیل جنایی افراد)، عمومیت و اختصاصی بودن (پیشگیری عام و خاص)، سطوح پیشگیری (پیشگیری اولیه، ثانویه و ثالثه)، عوامل مؤثر در ارتکاب جرم (پیشگیری اجتماعی و پیشگیری وضعی ناظر به عوامل مربوط به محیط) و معیارهای دیگری شکل گرفته‌اند (مهدوی، ۱۳۹۰: ۲۳).

همانطور که ملاحظه می‌شود تاکنون تقسیم بندی‌های متفاوتی از پیشگیری از وقوع جرم ارائه شده است که البته به نظر می‌رسد ماهیتاً تفاوت زیادی با یکدیگر نداشته باشند. در این قسمت سعی خواهد شد به برخی از این تقسیم بندی‌ها اشاره شود.

گفتار اول: تقسیم بندی براساس تقدم و تأخر ظهور انواع پیشگیری

در چهارچوب جرم شناسی پیشگیرانه با عنایت به معیارهای مختلف، پیشگیری را به ۶ دسته تقسیم بندی کرده‌اند. چهار نوع نخست، عنوان «پیشگیری سنتی یا متداول» و دونوع «پیشگیری نوین» مورد توجه قرار می‌گیرد. این تقسیمات گاه مشمول برداشت مضیق و گاه مشمول برداشت موسع از پیشگیری است که بعضاً با یکدیگر تداخل دارند و همچنین هریک مبتنی بر مکتب و نظریه خاصی در جرم شناسی است.

۱. پیشگیری‌های سنتی

این نوع از پیشگیری خود به چهار دسته بندی فرعی قابل تقسیم است. «پیشگیری از بزهکاری اطفال و پیشگیری از بزهکاری عمومی»، «پیشگیری عمومی و پیشگیری اختصاصی»، «پیشگیری انفعالی و پیشگیری فعال»، و بالاخره «پیشگیری اولیه، ثانویه و پیشگیری ثالث»، عناوین این دسته‌های فرعی را تشکیل می‌دهند.

۱-۱. پیشگیری از بزهکاری اطفال و پیشگیری از بزهکاری عمومی

این قسم از پیشگیری که قدیمی‌ترین نوع پیشگیری است، اشاره به وجود تفاوت در پیشگیری میان اطفال و بزرگسالان دارد. بدین معنا که با توجه به شخصیت اطفال که در حال رشد و شکل‌گیری است، تدابیر پیشگیرانه در خصوص آنان پرورشی و اصلاحی خواهد بود. در مقابل در خصوص بزرگسالان که دارای شخصیت شکل گرفته و قوام یافته هستند، پیشگیری جنبه ارعابی و تهدید آمیز به خود خواهد گرفت.

۲-۱. پیشگیری عمومی و پیشگیری اختصاصی

پیشگیری عمومی ناظر به کلیه عوامل جرم‌زایی است که به صورت مشترک در جرائم مختلف وجود دارد. تدابیر در این خصوص را باید در بنیان‌های جامعه از جمله خانواده، مدرسه، محله و ... مورد جستجو قرار داد. مثلاً ازدواج و اشتغال می‌توانند از جمله راهبردهای پیشگیری باشند. در مقابل پیشگیری اختصاصی ناظر به عواملی است که مربوط به جرم خاصی بوده و اقدامات پیشگیرانه نیز براساس آن طراحی می‌گردند. مثلاً نصب دزدگیر در خودروها، اقدامی مشترک برای جرم سرقت خواهد بود.

۳-۱. پیشگیری انفعالی (منفعل) و پیشگیری فعال

پیشگیری انفعالی که آورده نخستین اجلاس‌های اینترنتی در مورد پیشگیری است؛ متولیان عدالت کیفری و به خصوص پلیس در مقابل بزهکاران حالت تدافعی دارند. در این نوع از پیشگیری، ابتکار عمل با بزهکاران است و متولیان امر ابتدا با شگردهای جدید بزهکاران روبرو شده و سپس سعی در مقابله و پیشگیری با این شگردها دارند. هشدارهای پلیسی به بزه‌دیدگان بالقوه جرائم نیز نوعی از پیشگیری منفعل است. در مقابل در پیشگیری فعال، ابتکار عمل با متولیان پیشگیری بوده و به صورت پیش‌دستانه به مقابله با جرم بر می‌خیزند و در این خصوص می‌توان به پر کردن اوقات فراغت کودکان و نوجوانان در معرض خطر بزهکاری و تشکیل نهادهای مردمی فعال در خصوص پیشگیری در سطح محله‌ها اشاره داشت.

۴-۱. پیشگیری‌های اولیه، ثانویه و ثالث

این قسم از پیشگیری بر مبنای مدل پیشگیری مرسوم در پزشکی وارد جرم‌شناسی شده است. پیشگیری اولیه مربوط به کل جامعه است. در این نوع از پیشگیری تلاش برای ارائه

راهبردهایی است که همه افراد جامعه را در مقابل خطر بزهکاری و بزه دیدگی تقویت کند. پیشگیری ثانویه ناظر به افرادی است که وضعیت خاص آنان سبب شده است نسبت به سایر افراد جامعه بیشتر در معرض خطر بزهکاری یا بزه دیدگی باشند. براین اساس، تدابیر و اقدامات این نوع از پیشگیری در خصوص افرادی چون کودکان فراری از مدرسه، افسار محروم و سایر افراد در معرض خطر خواهد بود.

پیشگیری ثالث ناظر به اقداماتی است که برای جلوگیری از تکرار بزهکاری و بزه دیدگی اعمال می‌شوند. برنامه‌های اصلاحی و درمانی زندان و همچنین برنامه‌های حمایتی از بزه‌دیدگان جرائم می‌توانند از جمله این تدابیر باشند.

۲. پیشگیری‌های نوین:

این دسته از پیشگیری‌ها (همچنان که از نام آن‌ها پیداست)، در دو-سه دهه اخیر وارد ادبیات جرم‌شناسی شده‌اند. البته این سخن به آن معنی نیست که قبلاً چنین تدابیر و سیاست‌هایی وجود نداشته، بلکه این تدابیر پراکنده بوده و تحت چنین عنوانی دسته‌بندی نشده بوده‌اند. پیشگیری‌های نوین، دودسته بندی را شامل می‌شوند؛ دسته اول «پیشگیری اجتماعی و پیشگیری وضعی» و دسته دوم «پیشگیری دفاعی و آزادی بخش» می‌باشد.

۲-۱. پیشگیری اجتماعی و وضعی

این تقسیم بندی در حال حاضر رایج‌ترین دسته بندی از اقدامات پیشگیرانه به شمار می‌رود. پیشگیری اجتماعی: تعاریف متعددی از پیشگیری اجتماعی از جرم ارائه شده است. مرکز بین‌المللی پیشگیری از جرم، این نوع از پیشگیری را به این نحو تعریف کرده است:

"هر چیزی که بزهکاری، خشونت و ناامنی را از طریق هدف گیری موفقیت آمیز علل شناخته شده جرم (از طریق علمی)، کاهش دهد" (ترکمان، ۱۳۹۱: ۳۵).

این نوع از پیشگیری سعی دارد که علل و عوامل خطر زای بزهکاری و بزه دیدگی را مورد هدف گیری قرار دهد. این قسم از پیشگیری تلاش دارد که از تولید بزهکار یا بزه دیده جلوگیری کند. البته در اکثر متون غربی از این نوع از پیشگیری با عنوان "پیشگیری از جرم از طریق توسعه اجتماعی" نیز نام برده شده است. پیشگیری اجتماعی ناظر به محیط‌هایی است که در فرایند جامعه پذیری و اجتماع پذیری فرد نقش داشته و دارای کارکرد اجتماعی است. این محیط‌ها مشتمل بر محیط خانواده، مدرسه، دانشگاه، کار، دوستان و محیط‌های فرهنگی و تفریحی خواهد بود.

پیشگیری اجتماعی خود به دو نوع پیشگیری رشد مدار و جامعه مدار تقسیم می‌گردد. در پیشگیری رشد مدار با مداخله زودرس در خصوص طفلی که در معرض خطر بزهکاری است، از مزمن شدن بزهکاری در وی جلوگیری می‌شود. در این نوع از پیشگیری اقدامات مناسب و زود هنگام اجتماعی - روان شناختی، از تداوم و استقرار رفتارهای بزهکاری در طفل، جلوگیری می‌کند (مهدوی، ۱۳۹۰: ۳۲-۳۴). در پیشگیری جامعه مدار تلاش بر این است که عوامل جرم زای محیط اجتماعی و عمومی را با اتخاذ تدابیر و اقدامات مناسب، کاهش داده یا از بین برد.

پیشگیری وضعی: اقدام‌های وضعی به منظور جلوگیری از جرم سابقه کهنی در تاریخ دارد. انسان‌ها همواره برای مصون سازی خود از حملات دیگران اقداماتی را انجام داده و راهکارهایی را عملاً در نظر می‌گیرند. حرز که در حقوق جزا از اهمیت زیادی برخوردار است نوعی نماد پیشگیری وضعی محسوب می‌شود (ترکمان، ۱۳۹۰: ۳۷). پیشگیری وضعی،

تغییر در موقعیت‌های خاصی است که احتمال ارتکاب جرم در آن زیاد است، به منظور دشوار کردن، پرخطر کردن یا جاذبه زدایی برای کسانی که قصد ارتکاب جرم دارند. برخی از جرم شناسان کشورمان پیشگیری وضعی از جرم را علت شناسی جرم در خارج از شخصیت مجرم دانسته و معتقدند که پیشگیری وضعی عبارتند از: اقدامات غیر کیفری که معادله جرم را برهم می زند و هزینه انجام بزه را بالا می برد به نحوی که بزهکار بالقوه از ارتکاب جرم صرف نظر کند. به بیان دیگر، در پیشگیری وضعی هدف شناخت این واقعیت است که در خارج از بزهکاران و محیط‌های مجرمانه، چه موقعیت‌ها و وضعیت‌هایی وجود دارند که در ذهن آنان وسوسه ارتکاب جرائم را به وجود می آورد تا با شناسایی آن‌ها به پیشگیری از وقوع جرم بپردازیم.

۲-۲. پیشگیری دفاعی و پیشگیری رهایی بخش یا آزادی بخش

پیشگیری دفاعی، پیشگیری از طریق ایجاد رعب و عبرت و طرد مجرم است؛ در حالی که در پیشگیری رهایی بخش، اقداماتی جهت رهاسازی مجرم از بند جرم و جذب او در محیط سالم انجام می شود.

گفتار دوم: تقسیم بندی پیشگیری براساس ماهیت اقدامات پیشگیرانه

براین اساس تدابیر پیشگیرانه را به «پیشگیری تنبیهی»، «پیشگیری اصلاحی»، «پیشگیری مکانیکی» و «پیشگیری علی» تقسیم می‌کنند. که در این جا فقط به دومورد اول اشاره می‌شود.

۱. پیشگیری تنبیهی

۲. بدون تردید، تهدید به مجازات، با تداعی احتمال مجازات، افراد را از ارتکاب جرم باز می‌دارد. البته نظرات متفاوتی در مورد «رویکرد تنبیه» که در طول قرن‌ها مورد استفاده بوده، ابراز شده است. در حالی که برخی از جرم شناسان استدلال می‌کنند که رویکرد تنبیهی ارزشی ندارد، گروهی دیگر معتقدند که تهدید به مجازات و القای این واقعیت که تهدید به مجازات عملی هم خواهد شد، هنوز یک عامل اصلی بازدارنده از جرم به شمار می‌رود. کانون پیشگیری تنبیهی را، می‌توان پیشگیری از جرم از طریق سیستم عدالت کیفری نامید؛ هرچند این پیشگیری ممکن است علاوه بر سیستم عدالت کیفری، از سایر نهادهای انتظامی، اداری و مدنی نیز بهره مند شود.

۲. پیشگیری اصلاحی: تأکید اصلی در این نوع از پیشگیری بر بهبود شرایط شخصی یا عمومی، به منظور کسب اطمینان از عدم تکرار بزه یا تقبیح رفتار مجرمانه توسط جامعه است. پیشگیری اصلاحی معمولاً از دو طریق صورت می‌گیرد:

الف) کار با اشخاصی که پس از ارتکاب جرم و کسب محکومیت به مؤسسات اصلاح و تربیت تحویل و یا در طیف تعلیق مراقبتی قرار گرفته‌اند.

ب) هشدار درمورد شرایط اجتماعی و محیطی که تصور می‌شود جرم در آن اوضاع رشد کند.

گفتار سوم: پیشگیری در حوزه اطفال

براساس موضوع اصلی پژوهش و با توجه به آنچه تاکنون به آن اشاره شد، بطور کلی می‌توان گفت که پیشگیری در حوزه بزهکاری اطفال به پیشگیری اولیه و پیشگیری ثانویه و پیشگیری نوع سوم قابل تقسیم است. در پیشگیری اولیه که به پیشگیری عام معروف است برای پیشگیری از رفتار بزهکارانه اطفال قبل از اینکه هر گونه الگوی رفتاری نامناسب پدیدار شود طراحی شده است. برنامه پیشگیری اولیه در این حوزه در همان اوایل کودکی افراد ترجیحاً در سنین ۷ یا ۸ ساله مؤثر است. گفتنی است نوعاً این نوع پیشگیری در مدرسه یا قبل از مدرسه قابلیت اعمال و اثربخشی را دارد. در این نوع پیشگیری بدون توجه به انواع مختلف از خطر نسبت به گروه عمده‌ای از اطفال قابل اعمال است. در این برنامه بحث مراقبت والدین از طفل، بحث تغذیه و مدیریت خانواده برای اطفال پیش دبستانی شایع است. نوعی دیگری از پیشگیری در بزه اطفال پیشگیری ثانویه یا انتخابی است. در این پیشگیری تمرکز روی اطفال خاصی که در معرض خطر شدید هستند و بعضی علایم زود هنگام رفتار ضد اجتماعی از خودشان بروز دادند می‌شود. فرض اساسی در پیشگیری انتخابی یا گزینشی (ثانویه) این است که مداخله زود هنگام از افتادن طفل به صورت تدریجی در ورطه بزهکاری جلوگیری می‌کند. امتیاز این پیشگیری این است که تمرکز روی جوانانی است که می‌بایست بیشتر از همه از خدمات سود ببرند. (عوامل حمایتی)

در پیشگیری بعدی که نوع سوم است در واقع به درمان توجه دارد. همانطوریکه از نامش پیداست در این پیشگیری بر خلاف پیشگیری نوع اول و نوع دوم که نوعی مداخله است در پیشگیری نوع سوم مرحله‌ای جلوتر از مداخله یعنی درمان است. یعنی اینکه طفل در مسیر بزهکاری قرار گرفته و با افتادن در ورطه بزهکاری اکنون لازم است برنامه‌های درمان نسبت به این طفل صورت گیرد.

گفتار چهارم: ویژگیهای برنامه موفقیت آمیز در حوزه پیشگیری از جرائم اطفال

برای پیشگیری از جرائم اطفال با نگرش به سه نوع پیش گفته ویژگیهایی متصور است که عبارتند از:

۱. زود هنگام بودن پیشگیری: محققان اعلام کردند که اطفال در سنین ۴ یا ۵ سالگی بواسطه بروز رفتارهای توأم با خشونت و بطور کلی ناسازگاری در محل اقامت و دوره پیش دبستانی قابل شناسایی هستند. طبق تحقیقاتی که صورت گرفته حتی بروز رفتارهای ضد اجتماعی در سن سه سالگی را توصیه نمودند. بنابراین در حوزه پیشگیری از بزهکاری اطفال با شناسایی زود هنگام رفتار ضد اجتماعی برای رفع عوامل خطر از یک طرف متناسب با سن آنان اقداماتی صورت می‌گیرد و از طرف دیگر عوامل حمایتی برای تقویت کارکردهای فردی و اجتماعی وارد عمل شده در نتیجه طفل به سمت و سوی بزهکاری نخواهد رفت.
۲. تمرکز بر برنامه چند سیستمی: در پیشگیری از بزهکاری اطفال (پیشگیری رشد مدار) توجه به یک عامل و رفع آن عامل به عنوان عامل خطر موفقیت آمیز نمی‌باشد، زیرا وقتی در بروز بزهکاری عوامل خطر زیادی دخالت دارند فرضاً ضعف و عدم مهارت در شیوه تربیتی فرزند، ضعف اقتصادی، همسالان و ... نمی‌توان با بر طرف کردن ضعف در شیوه تربیتی وقفه در فرایند بزهکاری طفل ایجاد نمود. بنابراین لازم است متناسب با عوامل خطر، پیشگیری بصورت چند جانبه و توجه به همه عوامل خطر باشد و در کنار آن نیز عوامل حمایتی نیز به صورت چند سیستمی باشد به عبارتی هدف گذاری خطر بالقوه چند جانبه و عوامل حمایتی به جای هدف گذاری به یک یا دو عامل در کاهش رفتار ضد اجتماعی و انطباق مثبت طفل با ارزش‌ها مؤثر است.

نتیجه گیری و پیشنهادات



هدف از پیشگیری دور ساختن اطفال و نوجوانان از رفتارهای ضد اجتماعی طی مراحل اولیه زندگی آن‌ها از یک سو و نظارت و حمایت از این قشر از جامعه در وضعیت دشوار است. اما مبارزه علیه جرائم اطفال و نوجوانان مستلزم وجود تشکیلات وسیع و متناسب با احتیاجات روز هر جامعه و کشور است. از طرف دیگر چنین مبارزه‌ای نیاز به گروه‌های متخصص صلاحیتدار دارد.

اطفال و نوجوانانی که به هر دلیل مقررات عمومی را زیر پا می‌گذارند را نمی‌توان مانند بزرگسالان مجرم شناخت. آن‌ها آموزش زندگی در شرایط سخت، تحت اصول قانونی را باید فرا بگیرند. برای این منظور ابتدا لازم است از سرکوب کیفری آن‌ها دوری جست و سپس در سیستم عدالت کیفری هنگام دستگیری طفل یا نوجوان در اداره پلیس و در ادامه آن در مرحله تحقیقات مقدماتی در دادسرا، رفتار کشگران این نهادها با طفل یا نوجوان بزهکار کرامت مدار باشد، همچنین استفاده از تدابیری چون، رعایت حقوق دفاعی و تناسب در صدور قرارهای کیفری بر مبنای پرونده شخصیت در این مرحله می‌تواند از ادامه فرایند کیفری جلوگیری کند. تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان با بهره‌گیری از نیروهای متخصص و آموزش دیده، تجهیز پلیس به وسایل علمی کشف جرم، سرعت در اجرای وظیفه توسط پلیس و آگاهی دادن به طفل در خصوص نوع اتهام و از همه مهم‌تر قضا‌زدایی توسط پلیس که منجر به اخطار دادن به طفل و عدم اعزام طفل به نهادهای رسیدگی کننده رسمی خواهد شد، از ساز و کارهای مؤثر در پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان در مرحله قبل از محاکمه در دادسرا می‌باشد؛ در مرحله محاکمه و پس از آن در دادگاه نیز با در نظر گرفتن معیارهای دادرسی عادلانه، استفاده از مشاور و مددکار اجتماعی، استفاده از جایگزین‌های حبس، مانند تعلیق مجازات، تعویق صدور حکم و میانجی‌گری، می‌توان از فرستادن طفل یا نوجوان به کانون اصلاح و تربیت جلوگیری نمود - باتوجه به این که



رویکرد قانونگذار نگرشی غیر افتراقی و زندان مدار برکانون های اصلاح و تربیت است - با به کارگیری همه این تدابیر، چنانچه به عنوان آخرین راهکار طفل یا نوجوان به کانون اصلاح و تربیت فرستاده شد، برنامه های اصلاحی این نهاد می تواند در امر باز اجتماعی شدن وی کمک فراوانی کرده و در نهایت از تکرار جرم طفل یا نوجوان پیشگیری نماید. به طور کلی الزامات قانونگذاری مناسب، تدوین سیاست های کلان و برنامه محوره همراه عزم جزم برای اجرای آن و همینطور حمایت های ویژه کیفری از اطفال و نوجوانان آن ها را به همزیستی با قوانین در جامعه سوق خواهد داد.

از مجموع مطالبی که بیان شد می توان نوع دیگری از پیشگیری را در کنار انواع دیگر آن نتیجه گرفت. تاکنون نقطه تمرکز جرم شناسان در پژوهش های پیشگیری از جرم، شخصیت بزهکار و محیط آن بوده و سعی بر آن داشتند که با انواع پیشگیری های کیفری و غیرکیفری، از افزایش نرخ جرم جلوگیری کنند و در این راه «آیین دادرسی کیفری» و نهادهای آن را سدی در مقابل جرم می انگاشتند؛ اما اکنون باید دوربین جرم شناسی پیشگیری را از روی شخصیت فرد و محیط آن برداشته و آن را بر روی نهادهای آیین دادرسی کیفری به عنوان عاملی جرم زا متمرکز کرد؛ تا با استفاده از راهکارهایی که به تفصیل ذکر آن گذشت از نهادهای آیین دادرسی کیفری قرائتی پیشگیرانه ارائه داد.

در مقام ارزیابی، هرچند قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، مبادرت به تعیین نهادهای تعلیمی و تعویقی و اختصاص تدابیر افتراقی نسبت به بزهکاری اطفال و نوجوانان نموده است؛ لکن به نظر می رسد نیل به دستاوردهای مطلوب این جهت گیری، بدون رعایت موازین شکلی متناسب با آن میسر نمی باشد. در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز با اندک تفاوتی با قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸، در ماده ۲۸۵ به تحقیقات مقدماتی در جرائم اطفال اشاره دارد. همچنین، در

مواد ۴۰۸ تا ۴۱۸ نیز به چگونگی برگزاری دادگاه‌های اطفال اشاره شده است. آنچه درباره اطفال در سیستم دادرسی کیفری محل بحث است، این است که اصول دادرسی مستقل و ویژه کودکان در ساختار نظام دادرسی کیفری ایران مشاهده نمی‌شود.

چنانچه قوانین دادرسی نشان می‌دهند آنچه موجود است، اختصاص بخشی از دادگاه‌ها به رسیدگی به جرائم کودکان است که در عین حال می‌توانند به سایر جرائم رسیدگی کنند. اختصاص شعبه‌ای از دادرسی و دادگاه به رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان، دادرسی ویژه آن‌ها را ایجاد نمی‌کند. چون اصول و استانداردهای مربوط به کودکان در این دادگاه‌ها رعایت نمی‌شود، بلکه همه مقررات و قوانین جزایی عمومی درباره کودکان نیز اجرا می‌گردد. دادگاه یا دادرسی اختصاصی که متکی به قوانین عمومی باشد (بدون قوانین دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان) به تحقق نظام دادرسی ویژه آن‌ها منجر نمی‌گردد. به طور نمونه، نمی‌توانیم در قوانین موجود اصل یا قاعده ایی پیدا نماییم که به رعایت تناسب بین مجازات و شخصیت کودکان اشاره داشته باشد. با پیوستن ایران به میثاق بین‌المللی حقوق کودک تشکیل دادگاه‌های اطفال مورد توجه قرار گرفت. اما شاهد دادرسی ویژه اطفال به صورت منسجم بعد از پیروزی انقلاب نیستیم. در حالی که در قانون تشکیل دادگاه اطفال مصوب ۱۳۳۸ بیش از ۵۰ سال قبل چنین دادگاه‌هایی با استانداردهای مدرن در ایران تشکیل شده بود. به طور مشخص ماده ۱۶ این قانون رسیدگی به جرائم اطفال را تابع قانون آیین دادرسی عمومی قرار نمی‌داد. در حالی که امروزه آیین دادرسی مستقل در دادگاه اطفال در ایران برقرار نیست. برای بیان توضیح بیشتر باید گفت که در قانون آیین دادرسی کیفری جدید، دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان باز به صورت ناقص مورد توجه است، و استثنائاتی در آن دیده می‌شود. مثلاً علی‌رغم اینکه رسیدگی به همه جرائم اطفال زیر ۱۸ سال را در صلاحیت دادگاه اطفال دانسته‌اند، بین اطفال زیر ۱۵ سال و بالای ۱۵ سال قائل به تفاوت

شده‌اند. (ماده ۲۸۵) تنها تفاوت در این است که یکی از شعب کیفری در این مورد ابلاغ دادگاه اطفال، علاوه بر انجام امور غیر اطفال را دریافت می‌کند. یا براساس ماده ۳۰۶ و ماده ۲۸۵ به اتهامات نوجوانان کمتر از ۱۸ سال در دادگاه‌ها مستقیماً رسیدگی می‌شود، نه در دادگاه ویژه اطفال و نوجوانان، و تحقیقات این موارد نیز در دادرسی ویژه آن‌ها صورت نمی‌گیرد. کودکان در این شرایط در دادگاه‌های عمومی و در کنار سایر افراد بزهکار و یا متهم به بزهکاری قرار می‌گیرند.

در ماده ۳۱۵ قانون مورد بحث برای رهایی ظاهری از ایراد مطرح شده، به دادگاه کیفری یک ویژه اطفال و نوجوانان اشاره می‌کند و به امتیازات این دادگاه برای آن‌ها اشاره می‌نماید. اما امتیاز خاصی در این موارد برای کودکان و نوجوانان (در نیل به دادرسی ویژه و عادلانه) مقرر نشده است. آنچه عدالت برای کودکان ایجاب می‌نماید، اختصاص نظام دادرسی ویژه کودکان به کلی متفاوت از دیگران با جزییات قابل پیش بینی مؤثر برای گروه‌های مختلف سنی کودکان معارض قانون است. به شیوه‌ای که امکان توجه به همه جزییات رفتاری کودک منجر به نقض قانون فراهم باشد و امکان تبدیل شدن کودک به بزهکار آینده را به صورت جدی کاهش دهد و در پایان لازم به یاد آوری است که مسئله پیشگیری از جرم ماهیت مشارکتی دارد، که یک نهاد به تنهایی قادر به انجام آن نیست، اراده‌ای در حدو اندازه یک جامعه پویا و همه ارکان آن لازم است نه صرفاً نهاد دادگاه و دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان. در واقع سپردن این وظیفه، صرفاً به دستگاه قضایی، چاره یابی از سوی معلول به علت است. بنابراین اقدامات گسترده‌ای لازم است که همکاری نهادهای اجتماعی و دولتی مختلف موجود در جامعه را می‌طلبد که اگر همکاری لازم را باهم داشته باشند، به طور قطع نتایج مفید و مثبتی در زمینه پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان به دست خواهد آمد و نهایتاً با ارائه پیشنهادهای چند به این مقاله پایان می‌دهیم.



- تفکیک مرحله محاکمه از مرحله تعیین مجازات، براساس یافته‌های روان شناسان از پرونده شخصیت کودک؛

- رسیدگی خارج از نوبت به جرائم اطفال به منظور پرهیز از بازداشت؛

- حمایت ویژه از اطفال بزهکار پس از خروج از فرایند کیفری، به منظور بازگرداندن وی به جامعه و جلوگیری از تکرار جرم؛

- تدوین و اصلاح قوانین و مقررات و دادن اختیارات به پلیس و مشاوران و مددکاران اجتماعی جهت انجام برخی اقدامات لازم در دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان؛

- تصریح وظایف و اختیارات پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در قبال این گروه؛

- تعارض زدایی از برخی از مواد قانونی در حوزه پلیس ویژه اطفال و نوجوانان مانند ماده ۳۱ و ۲۸۵ ق. آ. د. ک مصوب سال ۱۳۹۲؛

- اقدام در خصوص آموزش‌های تخصصی پلیس ویژه اطفال و نوجوانان و تصویب سرفصل‌های دروس متناسب با نیازهای این گروه برای پیشگیری از جرم در دانشگاه علوم انتظامی امین؛

- باتوجه به لزوم تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان، این نیرو در محلی خارج از یگان‌های انتظامی استقرار یابد تا اهداف مورد نظر به خوبی تأمین گردد و حمایت لازم از این قشر آسیب پذیر به عمل آید؛

- اعطاء اختیارات بیشتر در حوزه پیشگیری، قضازدایی، تحقیقات مقدماتی و اجرای احکام به پلیس ویژه اطفال و نوجوانان؛



- ساده سازی ساختارهای قضایی و تمرکز دادرسی ویژه تمامی جرائم اطفال و نوجوانان در دادگاه اطفال و نوجوانان؛

- توجه خاص به کانون‌های اصلاح و تربیت به عنوان یگانه روش مؤسسه‌ای اصلاح و بازپسوند اطفال و نوجوانان بزهکار و تدوین مقررات خاص کودک مدارانه برای آن.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

کتب

۱. آشوری، محمد، (۱۳۹۴)، عدالت کیفری (۲)، مجموعه مقالات، چاپ دوم، تهران، نشر دادگستر
۲. ابراهیمی، شهرام، (۱۳۹۰)، جرم شناسی پیشگیری، چاپ اول، تهران، نشر میزان
۳. ابراهیمی و رکیانی، فاطمه، (۱۳۸۹)، حق دادرسی منصفانه کودکان در تعارض با قانون، چاپ اول، نشر جنگل
۴. اردبیلی، محمد علی، (۱۳۹۳)، حقوق جزای عمومی ج ۱ و ۲ و ۳، چاپ سی و دوم، تهران، نشر میزان
۵. بابایی، محمد علی، (۱۳۹۰)، جرم شناسی بالینی، چاپ اول، تهران، نشر میزان
۶. بارانی، محمدمو کشفی، سید سعید، (۱۳۹۲)، نظام عدالت برای کودکان و نوجوانان (راهنمای عملی پلیس)، تهران، معاونت تربیت و آموزش ناجا
۷. باصری، علی اکبر، (۱۳۸۷)، سیاست جنایی قضایی کودکان و نوجوانان (در حقوق داخلی و اسناد بین المللی)، تهران، نشر خرسندی
۸. بکاریا، سزار، (۱۳۹۳)، رساله جرائم و مجازات‌ها، مترجم، اردبیلی، محمد علی، چاپ هفتم، تهران، نشر میزان
۹. پاک نهاد، امیر، (۱۳۸۸)، سیاست جنایی ریسک مدار، تهران، نشر میزان
۱۰. پرادل، ژان، (۱۳۸۹)، تاریخ اندیشه‌های کیفری، مترجم: نجفی ابرند آبادی، علی حسین، تهران، نشر سمت
۱۱. پیوندی، غلام رضا، (۱۳۹۰)، حقوق کودک، چاپ اول، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و علوم اسلامی
۱۲. تایللی، نیک، (۱۳۹۵)، پیشگیری از جرم، مترجم: زمانی، امین اله و مهدب، مریم، تهران، نشر مجد
۱۳. جندلی، منون، (۱۳۹۵)، درآمدی بر پیشگیری از جرم، مترجم، ابراهیمی، شهرام، چاپ دوم، تهران، نشر میزان
۱۴. جوان جعفری، عبدالرضا سیدزاده ثانی، مهدی، (۱۳۹۱)، رهنمودهای عملی پیشگیری از جرم، چاپ اول، تهران، نشر میزان
۱۵. حبیبی، زهره و خسروی نیا، حسن، (۱۳۹۳)، بررسی موارد مغایرت کنوانسیون حمایت از حقوق کودکان با فقه و حقوق اسلامی، چاپ اول، قم، نشر آیین محمود
۱۶. حسن ملکی، قاسم، (۱۳۸۸)، آشنایی با حقوق کودکان، چاپ اول، نشر آریز
۱۷. حق پناهیان، عباس، (۱۳۹۳)، جرم شناسی بزهکاری اطفال و نوجوانان، تهران، نشر مجد
۱۸. خالقی، علی، (۱۳۹۵)، آیین دادرسی کیفری ج ۱ و ۲، چاپ سی و سوم، تهران، نشر شهر دانش
۱۹. خالقی، علی، (۱۳۹۳)، نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، چاپ دوم، تهران، نشر شهردانش
۲۰. خسروشاهی، قدرت الله، (۱۳۹۳)، مراحل سه گانه پیشگیری از جرم درآموزه های قرآنی، چاپ اول، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی
۲۱. خلفی، مسلم، (۱۳۸۸)، مبانی حقوقی پیشگیری از جرم، چاپ اول، قم، نشر نورالسجاد
۲۲. دانش، تاج زمان، (۱۳۹۳)، دادرسی اطفال بزهکار در حقوق تطبیقی، چاپ پنجم، تهران، نشر میزان



۲۳. دادستان، پربرخ، (۱۳۸۲)، روان شناسی جنایی، چاپ اول، تهران، نشر سمت
۲۴. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۸۹)، لغت نامه فارسی، نشر افست گلشن
۲۵. ذوالقدر، محمدباقر و توکل پور، محمدهادی، (۱۳۹۴)، مدیریت راهبردی پیشگیری از وقوع جرم و آسیب‌های اجتماعی، چاپ اول، نشر مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه
۲۶. رجبی پور، محمود، (۱۳۹۱)، مبانی پیشگیری اجتماعی رشد مدار از بزهکاری اطفال و نوجوانان، چاپ دوم، تهران، نشر میزان
۲۷. رجبی پور، محمود، (۱۳۸۷)، مبانی پیشگیری اجتماعی از بزهکاری اطفال و نوجوانان، چاپ اول، نشر منتهی
۲۸. رضوانی، سودابه، (۱۳۹۱)، مدیریت انسان مدارریسک جرم، تهران، نشر میزان
۲۹. رونچی، ژان فرانسوا و کورتن، کریستین، (۱۳۹۵)، حقوق کیفری کودکان و نوجوانان، مترجم: رضوی فرد، بهزادو بهشتی، خدیجه، چاپ اول، تهران، نشر میزان
۳۰. رهامی، محسن، (۱۳۹۲)، اقدامات تأمینی و تربیتی، چاپ دوم، تهران، نشر میزان
۳۱. زهر، هوارد، (۱۳۹۰)، کتاب کوچک عدالت ترمیمی، مترجم: غلامی، حسین، چاپ دوم، تهران، نشر مجد
۳۲. زهر، هورادو آلن، مک رأی، (۱۳۸۶)، کتاب کوچک نشست‌های گروهی خانوادگی، مترجم: غلامی، حسین، تهران، نشر مجد
۳۳. زهروی، رضا و صفری، محسن، (۱۳۹۴)، حقوق اطفال و نوجوانان (بررسی تطبیقی)، چاپ اول، تهران، نشر دادگستر
۳۴. سرکشیکیان، محمدحسین، (۱۳۹۵)، سازمان‌های پیشگیری از جرم، چاپ اول، تهران، نشر خرسندی
۳۵. شامبیاتی، هوشنگ، (۱۳۹۴)، بزهکاری اطفال و نوجوانان «طبق قانون جدید»، تهران، نشر مجد
۳۶. صلاحی، جاویدو امامی نمینی، محمود، (۱۳۹۴)، دادرسی اطفال و نوجوانان بزهکار، تهران، نشر میزان
۳۷. صلاحی، جاوید، (۱۳۸۷)، بزهکاری اطفال و نوجوانان، تهران، نشر میزان
۳۸. صلاحی، جاوید، (۱۳۸۹)، کلیات بزهکاری اطفال و نوجوانان، چاپ هشتم، تهران، نشر میزان
۳۹. طه، فریده، (۱۳۹۰)، بررسی کنگره‌های پیشگیری از جرم و عدالت کیفری سازمان ملل متحد (نوجوانان در معرض بزهکاری)، چاپ اول، تهران، نشر میزان



پروژه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی